اسکندریّه

بواسطهٴ آقا میرزا محمود

جناب علی ابن حضرت ادیب علیه بهآء اللّه

هو اللّه

ای عزیز طالعی عجیب داری فکر ما چنان بود که در بقعهٴ مبارکه اقامت نمائی و ایّامی براحت بگذرانی و اصول تجارت بیاموزی ستمکاران دست تطاول گشودند کار بجائی رسید که لازم شد شما را بکمال سرعت روانه کنیم و محافظت نمائیم و آواره و غریب نگذاریم چنان تصوّر بود و چنین پیش آمد لا بد حکمتی در این عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم گر بماندیم جامه بردوزیم و اگر رفتیم در جهان دیگر خیمه برافرازیم و یکدیگر را بنوازیم در هر صورت تو نومید مباش که بسی امیدهاست محزون مگرد زیرا حکمت گوناگون در پی دلگیر مشو زیرا شهد و شیر مقرّر طفل رضیع را هرچند ثدی عزیز نعمت کبریست ولی چون از آن بازماند فیها ما تشتهی الانفس و تلذّ به الاعین امید چنین است تا خدا چه خواهد

 حضرت والد بزرگوار را تحیّت مشتاقانه برسان و برضایت ایشان عمل نما و آنچه مصلحت بدانند مجری بدار فکر خود را بگذار و آنچه که ارادهٴ ایشان است مجری دار مقدار رأس شعری از رضایشان تجاوز منما و بدان که اینست سبب سعادت ابدیّهٴ تو و علیک التّحیّة و الثّنآء ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۵ مه ۲۰۲۴، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر